

«همگرایی» و «واگرایی» ملی!! (۱)

الف) براندازی «نظام»

عنوان فوق، یادآور تبدیل نأسف بار شیوه: "همه با هم" به: "همه با من"! و تشکیل شعار: "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله"! است که همگی به خاطر دارید. پسوند "ملی" را نیز بر آن افزودم تا تأکید کرده باشم همه ملت در این همگرایی و واگرایی مشارکت داشته‌اند و ساده نگری است اگر آن را با فرافکنی، به فرد یا گروه ویژه‌ای، هرچند نقش اساسی و مهم‌تری داشته، نسبت داده و منحصر نمائیم.

آنچه انگیزه این قلم در انتخاب این موضوع گردید، سخنان چندی پیش رهبری در "اولویت نظام" بر هر ارزشی، حتی جان جوانان! و مقدم بودن "حفظ نظام" و تقویت آن، بر هر اصل و اساسی، حتی آزادی، عدالت و امنیت و کرامت انسان می‌باشد.

تئوریسین‌های ولایت فقیه به کرات و با صدها زبان در سال‌های اخیر تأکید کرده‌اند که منظورشان از نظام، همان "ولایتی" است که در ساختار پنج ضلعی تصویری‌شان، از نماز و روزه و حج و زکات هم برتر بوده و به خاطر آن می‌توان بقیه احکام را هم موقتاً تعطیل کرد!! مردم نیز به روشنی دریافته‌اند که "ولایت" همان "سلطنت مطلقه فقیه" است که ادعا می‌شود بر جان و مال و ناموس مردم، که یتیم و صغیر و مهجور (دیوانه) شمرده می‌شوند، تسلط دارد!

با این حال کنجکاوی نویسنده، ضرورت تحقیقی در شناخت معنای لغوی "نظام" را ایجاب کرد تا معلوم شود این چه کلمه کارآمدی است که این همه برکت! برای متولیان دینی ما به بار آورده است!؟

کلمات: نظم، نظام، تنظیم، منظم، ناظم و ... از یک ریشه هستند و تماماً حکایت از ترتیب و تناسبی بین اجزای یک شیء یا یک موضوع می‌کنند. به نخ یا رشته نازکی که مروریدهای ریز و درشت گردن بند یا دانه‌های تسبیحی را به یکدیگر متصل و ردیف می‌کند، در ادبیات عرب "نظم" می‌گویند. به "شعر" نیز به دلیل سجع و قافیه‌ای که همچون رشته، کلمات را به هم ردیف می‌کند، "نظم"، و به سخنان غیر منظم، "نثر" گفته می‌شود. همچنین، درختان کاشته شده در کنار جوی یا پرندگان در حال پرواز، به شکلی مرتب را "منظوم" می‌شمارند.

به این ترتیب "نظام"، نخ و رشته‌ای بیش نیست و اصالتی ندارد. اصالت متعلق به مروریدهایی است که ردیف شده‌اند. اهمیت در کلماتی است که با قافیه‌ای منظم، شکل شعر گرفته و مقصودی را به مخاطبین القاء می‌کنند. اگر آن مروریدها گسیخته گشته و کلمات درست ادا نشوند، نه گردن‌بندی وجود دارد و نه شعری سروده شده است.

زهره کی دارد کی آید در نظر
بنده امر تواند از ترس و بیم

بی تو نظم و قافیه شام و سحر
نظم و تجنیس و قوافی ای علیم

نظامات سیاسی هم چنین هستند؛ فرضاً اگر در نظام "اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی" سابق، به جای حاکمیت "جمهوری‌ها" و هدف قرار گرفتن "سوسیالیسم" و حمایت از شیوه "شورائی"، سیستم متمرکز حزبی حاکم شد و استالین‌هایی با قتل عام میلیونی مردم و تسویه‌های خونین حزبی و استقرار سیستم سرکوب پلیسی، به صورت استبدادی مطلق عمل کردند، در این صورت سخن گفتن از "نظام سوسیالیستی" خالی از محتوا خواهد بود و تلقی مردم از نظام، شخص استالین می‌گردد.

"نظام جمهوری اسلامی ایران" نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ نظام، در معنای لغوی خودش، همان رشته و ریسمانی است که قرار بوده سه رأس مثلث: "جمهوری"، "اسلامی" و "ایرانی" را به هم متصل کرده و سیستمی را جایگزین "سلطنت موروثی" کند که "جمهور ایرانیان" به اختیار خود و با تکیه بر اخلاق و ارزش‌های اسلامی، همچون آزادی، امنیت، استقلال، کرامت و حقوق اساسی انسان و ... بتوانند به رشد و شکوفائی برسند. حال اگر حق "جمهور" مردم عملاً با نظارت استصوابی شورای نگهبان، تقلب انتخاباتی و سیستم ولایت مطلقه فقیه، یعنی انکار تئوریک و عملی آراء مردم پایمال گردید، و ارزش‌های "اسلامی" قربانی قدرت طلبی و تمامیت خواهی طبقه ممتازی شد، و "ایرانیّت" خلاف اسلامیت و ملی گرایی خلاف دینداری تلقی و تبلیغ گردید، در اینصورت "نظام" مفهوم خود را از دست داده و تبدیل به شخص حاکم یا نظریه ویژه‌ای (ولایت فقیه) خواهد گردید که در تعارض آشکار با همان سه اصلی است که مردم برای تحقق آن انقلاب کردند.

سؤال اساسی که در چنین شرایطی باید به آن پاسخ گفت؛ "براندازی نظام" است! به راستی چه کسانی ضدانقلاب و براندازانند؟... کسانی که رشته و ریسمان وحدت را پاره و مرواریدهای مودت را پراکنده می‌کنند، یا کسانی که بر پیوند مجدد عواملی که همگرایی را ممکن ساخت پافشاری می‌نمایند؟

اگر قرار است در نظامی که ادعا میشود "اسلام ناب محمدی" است، قرآن حاکم باشد، خداوند در این کتاب فرمان داده است:

"امانات (مقامات و موقعیت‌های جامعه) را به اهلش (شایستگانش) برگردانید و براساس عدالت حکومت کنید"

إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء ۵۸)

"امانت"، که برگرداندنش به شایستگان در آیه فوق فرمان داده شده، برحسب تعریف امام علی(ع)، همان "نظامی" است که امت را متحد می‌کند. پس مفهوم نظام چیزی جز پایبندی به امانات (به همان معنای اجتماعی آن) نیست:

فرض الله... والامانه نظاما للامه (نهج البلاغه حکمت ۲۵۲)

نظام "ولایت مطلقه فقیه"، صرف‌نظر از تعارض تنوریک آن با حقوق مردم، در تجربه سه دهه پس از انقلاب به وضوح نشان داده است که عامل اصلی تفرقه و تشتت و تجزیه "همگرایی" ملت و مولد "واگرایی" بوده است. تنها راه بازگشت به الفت و اتحاد ملی، "نظامی" است که براساس احترام به حقوق متقابل ملت و زمامدار تنظیم شده باشد.

مفهوم کلمه "نظام" در دیدگاه امام علی(ع) به عنوان الگوی رهبری در میان شیعیان، چیزی جز پایبندی به رعایت حقوق اجتماعی مردم نبوده و فقط چنین "نظامی" است که موجب "الفت" ملی و "عزت" دینی خواهد شد:

فجعلها (الحقوق اجتماعی) نظاما لالفتهم و عزا لدينهم (خطبه ۲۰۷ - ۲۱۶)

دنباله دارد ...